

آینه‌های روبه‌رو

رسول صدرعاملی:

شور و شوقی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان ندیدم

سهام‌الدین بورقانی

■ هفته گذشته بیست‌ونهمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان برگزار شد. به همین دلیل با رسول صدرعاملی یکی از داو‌های این جشنواره در مورد حال و هوای جشنواره‌امسال گفت‌وگو کردیم. البته بحث‌مان به سینمای کودک و نوجوان و نگاهی به آن در سال‌های اخیر هم کشیده شد.

■ ■ ■



■ بعد از اینکه جشنواره کودک و نوجوان چند سالی به‌رگزار نشد، این جشنواره‌امسال چه حال و هوا و ویژگی‌های بارزی داشت؟

به نظر من دو وجه داشت: اولی که کمی آزادندهد بود و فضای دلگیرکننده‌ای ایجاد کرده بود. عدم حضور خیلی از دست‌اندرکاران سینمای کودک بود به این دلیل که یا فیلمی نداشتند یا دعوتی از آنها نشده بود و خلاصه جایشان خالی بود. من این‌تکه را بیشتر از نگاه مخاطبان می‌گویم. یعنی کسانی که در سینماها در رفت‌وآمد بودند و دنبال این سینماگران بودند. مثل کودتایی که دنبال بازیگران مورد علاقه‌شان و نوجوانانی که دنبال فیلمسازان مورد علاقه‌شان هستند و مثل سال‌های قبل در گوشه و کناری مشغول گپ و گفت با آنها می‌شوند. درواقع فضای که همیشه در دوره‌های قبل و در حاشیه جشنواره می‌شد دید و گفت‌وگوهایی که میان اهل سینما با مردم شکل می‌گرفت، به‌نظرم مهم‌تر از بقیه‌مسایل بود.

از طرف دیگر شور و شوق سابق هم دیده نمی‌شد. من چند باری که حدود ساعت ۹ شب به سینماها رفتم تقریباً تعطیل بود. طرف دیگر ۶۹ فیلم کودک و نوجوا به جشنواره رسیده بود که همه برای این جشنواره ساخته شده بودند و این خودش جای امیدواری دارد. اگرچه خیلی از این فیلم‌ها شنیده ساخته شده بود اما این تعداد به‌حرحال امیدوارکننده بود.

■ چرا فکر می‌کنید جشنواره‌امسال چندان‌شاد نبوده و شور و شوقی در آن دیده نمی‌شده؟

مهم‌ترین دلایلش این‌است که پنج سال جشنواره در اصفهان برگزار نشده بود و دیگر اینکه آن‌طور که ۲۰ پرس‌وجو کردم، قطعی‌شدن برگزاری جشنواره‌امسال هم خیلی دیر اتفاق افتاد و فرصت محدودی در اختیار برگزارکنندگان بوده‌است.

■ این جشنواره چه کارکردی می‌تواند برای سینمای کودک و نوجوان داشته باشد؟ به‌ر حال در سال‌های اخیر سینمای کودک و نوجوان رونق چندان‌ی نداشته‌است.می‌شود امیدوار بود؟

یکی از علل عدم رونق سینمای کودک و نوجوان محدودیت‌ها و ممیزی‌هایی است که در این حوزه وجود دارد. ضمن اینکه فیلم‌ها به جای اینکه برای کودکان باشند، درباره کودکان شدند. به‌جای اینکه شادمانی و شادی باخود بیآورند تلخ و غمگین شدند و به ناهنجاری‌هایی درباره کودکان پرداختند. شوق و شغفی که در سال‌های قبل از دیدن فیلم‌های کودک و نوجوان حاصل می‌شد به زمینه اصلی سینمای کودک یعنی موسیقی، سرگرم‌کننده و مفرح بودن برمی‌گشت. در ضمن عملاً حمایت‌های چندان‌ی هم از این سینما نداشت. مدت‌هاست که بحثی وجود دارد تا تسنیم‌هایی مخصوص کودکان ساخته شود اما این اتفاق نیفتاد. نکته دیگر اینکه همنسینتی کودک و نوجوان هم خیلی بی‌اعتناست چراکه این دو موضوع ربطی به همدیگر ندارند و با هم متفاوتند. ظاهراً قرار شده از سال‌های آینده این دو جاذبه‌های دوری شوند.

■ اوضاع سینمای‌های شهرستان‌ها و بقیه شهرها هم که تعریف چندان‌ی ندارند.

زمانی هرچقدر فیلم ما در تهران می‌فروخت یک و نیم برابر آن در شهرستان‌ها بود. اما الان این رقم به ۴۰ درصد رسیده‌است. یکی از علت‌های عدم رونق این حوزه را باید در همین مساله جست‌وجو کرد، چراکه در خیلی از شهرستان‌ها اساساً سینمایی وجود ندارد. خیلی جالب‌است چند شب پیش فرمادار یکی از شهرها در تلویزیون در حال صحبت بود و می‌گفت ما در شهرمان سینما نداریم چون توجیه اقتصادی ندارد و اضافه کرد که به‌جای سینما توجیه تریج می‌دهیم. تالار داشت دراست کنیم! ببینید، درک ایشن از سینما مثل برج‌سازی است و کمترین دشتی در این زمینه ندارد. می‌خواهم بگویم ما مدیرانی از این دست‌کم نداریم، حتی آن مجری هم عقلش نمی‌رسد پرسد یعنی چه سینما توجیه اقتصادی ندارد. ولی اساساً سینمای ایران تئیت نشد، گلزار، شهرمنش شهر، کلافقرمزی و... عمدتاً شهرنشان را از تلویزیون گرفت‌اند و بعد خودشان را در سینما تعریف کرده‌اند و مخاطب فراموشی هم پیدا کرده‌اند. اسم این را نمی‌شود سینمای کودک گذاشت. من از سینمای حرف می‌زنم که خلاق باشد و به شکل مستقل مشغول کار در این حوزه‌است. مثل کارهای کیارستمی، داوودنژاد و خیلی‌های دیگر.

■ به‌ویژه کارهای محمدعلی طالعی.

دقیقاً کارهای او در سینمای کودک بهترین نمونه‌است. تامل می‌کند، دفعه‌ی پیا می‌کند، تم مرکزی برای پرداختن به مسایل پیدا می‌کند و راجع به آن بحث می‌کند. در سینمای نوجوان این قضیه عملی‌تر و دراماتیک‌تر است. قابلیت‌های خوبی هم برای سرمایه‌گذاری دارند.

■ به‌ر حال همین فیلم‌ها هم مخاطب‌را به سینماها کشانند.

بله، در همان سال‌ها اشتباهات و بی‌برنامگی‌هایی وجود داشت. همان موقع که به بهانه کلافقرمزی چپ‌ها را به سینماها کشانیدیم، باید زمینه علاقه‌مندی نسل به نسل کودکان را به سینما فراهم می‌کردیم. برنامه‌ریزی منته مرتب سلیقه‌ها تغییر کرد و عملاً این مساله را ه‌شد. دلم می‌خواهد این جشنواره کودک و نوجوان اصفهان برای همیشه مستقر و تثبیت شود و هر سال دیگر ذوق کنییم که جشنواره برگزار شد! بعد از آن باید نشست و فکری جدی برای این سینما کرد. به اعتقاد من سینمای کودک اهمیت بسیار زیادی دارد و باید پیش از اینها به آن پرداخت.

این روزها «دست‌های آلوده» و «تکراسوف» عنوان دو نمایشنامه از ژان پل سارتر نویسنده و روشنفکر فرانسوی با ترجمه‌ای من از انتشارات کتاب پارسه وارد بازار کتاب شده‌است.

ماجرای نمایشنامه «دست‌های آلوده» در سال‌های جنگ جهانی دوم در یکی از کشورهای اروپای مرکزی (که به حکم قرینه‌ها تا حدودی می‌تواند یادآور یوگسلاوی سابق باشد) روی می‌دهد. کشور در اشغال آلمان نازی است ولی نهضت مقاومت دست‌اندرکار است. رهبر یکی از گروه‌های مقاومت که با کمونیست‌ها‌اتلاف کرده با توجه به شرایط تشخیص می‌دهد که همکاری با پوزرواها به تقویت جبهه مقاومت خواهد انجامید. اما کمونیست‌ها با چنین رویه‌ای مخالفند و جوانی را که در اشتیاق دست زدن به کاری مهم است مامور ترور او می‌کنند و جوان پس از آنکه ستیزی درونی را پشت سر می‌گذارد، ماموریتش را انجام می‌دهد. اما مدتی بعد کمونیست‌ها به این نتیجه می‌رسند که خط فکری

فرزانه‌ارابهیم زاده: آلا بالای سر امید ایستاده و می‌گوید: نور... امید – بخوانید علی سربای– روی چشمانش دو حلقه خیار گذاشته و آلا – بخوانید باران کوثری– دارد موهای امید را کوتاه می‌کند و ارش – بخوانید پیمان معادی – روی میل نشسته و روزنامه می‌خواند. تلفن زنگ می‌خورد و داستان یک دروغ بزرگ آغاز می‌شود. این یک اتفاق واقعی در پایان ششماره یک ابرانشهر است. تمرین نمایش «خشکسالی و دروغ» به کارگردانی محمد یعقوبی است. همزمان با تمرین بخشی از متن را تغییر می‌دهند. نمایش براساس دعای مشهور داریوش هخامنشی در تخت جمشید است– اهور مزدا این کشور را از خشکسالی، دشمن و دروغ در امان بدار–

تمرین که شروع می‌شود، سعی می‌کنم تکه‌های قبلی خشکسالی و دروغ را به یاد بیاورم. یادم هست که چقدر آن اجرا را دوست داشتم. توقع‌ام این است که مانند زمستان ۶۶ این اجرا هم با تغییرات زیادی روبه‌رو باشد. اما تغییر مهم جای‌جایی دو بازیگر از چهار شخصیت نمایش است. باران کوثری جای رویا مکتبی را گرفته و پیمان معادی در نقش ارش به جای مهدی پاکدل که این روزها به‌رگیر بازی در فیلم محمد رسول الله (ص)، است، بازی می‌کند. غیر از این و بعضی از دیالوگ‌ها تغییر زیادی در اجرا وجود ندارد. علی سربای و آیدا کیخایی مانند آن اجرا خوب با نقش‌شان کنار آمده‌اند. هرچند که در این اجرا تاز بازی‌هایی را به نقش اضافه کرده‌اند. هیچ تصویری از بازی پیمان معادی در نقش ارش به جای مهدی پاکدل ندارم. اما بعد از صحنه دوم به این نتیجه می‌رسم که معادی، ارش خودش را به صحنه آورده



یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه شعبه زد غریب‌پور: پیدا کردن دور ترین مکان کار تبلیغی است شرق: یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه استان چهارمحال و بختیاری شعبه زده‌ است. این شعبه اولین شعبه یونوما در دنیا است که در یک روستا افتتاح شده است. در طول دو سال گذشته هیات‌مدیره جدید انجمن یونیمای ایران، حمیدرضا اردلان توانسته در پنج استان گیلان، خراسان جنوبی، گلستان، قزوین و هرمزگان دفاتری افتتاح کند. بهروز غریب‌پور رییس سابق مبارک یونوما در این‌باره می‌گوید: «بلا‌هم یونوما در شهرستان‌ها عضو داشته و اینکه عضو جدیدی اضافه نشود، بدعتی نیست اما باید توجه کرد این کار یک حرکت تبلیغاتی نباشد و شعبه‌ای که می‌زیم باید در هر جایی که باشند یک شعبه فعال باشد. اینکه ما در نقشه جغرافیایی کشور بنگریم و دورترین نقطه را پیدا کنیم، می‌فکند نیست. من که ۵۰ سال است کار عروسی می‌کنم، نشنیده‌ام که روستای ده‌چشمه عضو فعال داشته باشد.» غریب‌پور همچنین ادامه داد: «مانی شعبه‌های یونوما موثر خواهند بود که آن شهر یا روستا فعال عروسی‌ها با نمایش عروسی‌کی داشته باشد. در نتیجه

ادب‌و هنر

درباره نمایشنامه‌های «دست‌های آلوده» و «تکراسوف»

ستیز و بودن

قاسم منغوی مترجم رهبر ترور شده درست بوده است و او را قهرمان در نظر می‌گیرند. وجود عامل ترور، باری است که بر دوش کمونیست‌ها سنگینی می‌کند و تصمیم به نابودی او می‌گیرند و یگانه شرط تصفیه نکردن او ابراز ندامت جوان است. رامحل این است که جوان اعلام کند رهبر فقید را تحت تاثیر حسادت عاشقانه کشته است نه به سبب عقیده سیاسی. جوان در برابر این طنز تلخ به استقبال ماموران قتلش می‌رود.

این اثر سارتر باتوعی برداشت سیاسی ضد کمونیستی مواجه شد که خود سارتر آن را درست نمی‌دانست ولی

■ ■ ■

گزارش تمرین نمایش تازه محمد یعقوبی «خشکسالی» و «دروغ»

تیر روزنامه‌ها در تئاتر

یعقوبی اصراری نداشته مثل زمستان ۶۶ این اجرا با تغییر زیادی مواجه باشد. او می‌گوید: «ما فرض می‌کنیم که همه مخاطبان ما کسانی نیستند که قبلاً این نمایش را دیده‌اند. یادم هست روزی که کار روی صحنه به پایان رسیده، تعداد زیادی از مخاطبان که پشت درهای سالن مانده بودند، امضا جمع کردند و خواستار برگشت نمایش به اجرا شدند. به همین دلیل در بازتولید، بنا را بر این گذاشتیم این مخاطبان قرار است بیایند و این کار را ببینند. کسانی که هیچ پیش فرضی را ندارند و همان ارتباطی را باید با کار برقرار کنند که دو سال پیش آنها‌یی که دیده‌اند با آن برقرار کردند».

فلان‌تیک خورده و میترا – بخوانید آیدا کیخایی– روی تخت نشسته و روزنامه‌ها را ورق می‌زند و خبرها را بلند بلند می‌خواند. می‌گوید: «می‌دانستی وقتی قذافی را گرفتند بهش تجاوز کردند؟» یکی از ابتکارهای جالب محمد یعقوبی در اجرای اول خشکسالی و دروغ خواندن تیتز هر روز یکی از روزنامه‌ها بود. به گفته کارگردان نمایش در این اجرا هم خواهد افتاد: «ما چندین موضوع داشتیم که تیتز یک روزنامه‌ها و تیتز خبرها بود. اگر تیتز خاصی نبود، می‌فتم روزنامه پنج روز پیش را استفاده‌می‌کردیم.



یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه شعبه زد غریب‌پور: پیدا کردن دور ترین مکان کار تبلیغی است شرق: یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه استان چهارمحال و بختیاری شعبه زده‌ است. این شعبه اولین شعبه یونوما در دنیا است که در یک روستا افتتاح شده است. در طول دو سال گذشته هیات‌مدیره جدید انجمن یونیمای ایران، حمیدرضا اردلان توانسته در پنج استان گیلان، خراسان جنوبی، گلستان، قزوین و هرمزگان دفاتری افتتاح کند. بهروز غریب‌پور رییس سابق مبارک یونوما در این‌باره می‌گوید: «بلا‌هم یونوما در شهرستان‌ها عضو داشته و اینکه عضو جدیدی اضافه نشود، بدعتی نیست اما باید توجه کرد این کار یک حرکت تبلیغاتی نباشد و شعبه‌ای که می‌زیم باید در هر جایی که باشند یک شعبه فعال باشد. اینکه ما در نقشه جغرافیایی کشور بنگریم و دورترین نقطه را پیدا کنیم، می‌فکند نیست. من که ۵۰ سال است کار عروسی می‌کنم، نشنیده‌ام که روستای ده‌چشمه عضو فعال داشته باشد.» غریب‌پور همچنین ادامه داد: «مانی شعبه‌های یونوما موثر خواهند بود که آن شهر یا روستا فعال عروسی‌ها با نمایش عروسی‌کی داشته باشد. در نتیجه

یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه شعبه زد غریب‌پور: پیدا کردن دور ترین مکان کار تبلیغی است شرق: یونیمای ایران در روستای ده‌چشمه استان چهارمحال و بختیاری شعبه زده‌ است. این شعبه اولین شعبه یونوما در دنیا است که در یک روستا افتتاح شده است. در طول دو سال گذشته هیات‌مدیره جدید انجمن یونیمای ایران، حمیدرضا اردلان توانسته در پنج استان گیلان، خراسان جنوبی، گلستان، قزوین و هرمزگان دفاتری افتتاح کند. بهروز غریب‌پور رییس سابق مبارک یونوما در این‌باره می‌گوید: «بلا‌هم یونوما در شهرستان‌ها عضو داشته و اینکه عضو جدیدی اضافه نشود، بدعتی نیست اما باید توجه کرد این کار یک حرکت تبلیغاتی نباشد و شعبه‌ای که می‌زیم باید در هر جایی که باشند یک شعبه فعال باشد. اینکه ما در نقشه جغرافیایی کشور بنگریم و دورترین نقطه را پیدا کنیم، می‌فکند نیست. من که ۵۰ سال است کار عروسی می‌کنم، نشنیده‌ام که روستای ده‌چشمه عضو فعال داشته باشد.» غریب‌پور همچنین ادامه داد: «مانی شعبه‌های یونوما موثر خواهند بود که آن شهر یا روستا فعال عروسی‌ها با نمایش عروسی‌کی داشته باشد. در نتیجه



فیلم‌برداری «نارنجی‌پوش» به کارگردانی داریوش مهرجویی و بازی حامد بهداد هم‌اکنون در خیابان اقدسیه تهران ادامه دارد. «نارنجی‌پوش» جدیدترین فیلم سینمایی مهرجویی است که فیلم‌برداری آن این در تهران آغاز و هم‌اکنون از نیمه گذشته است. هنوز تدوین‌گری برای فیلم شخص نشده و اکثر صحنه‌های این فیلم خارجی است و گروه هم‌اکنون در خیابان اقدسیه در حال فیلم‌برداری آخرین سکانس داخلی لوکیشن اصلی فیلم هستند تا از دوم آذر همیون گذشته سکانس‌های خارجی را فیلم‌برداری کنند. نارنجی‌پوش نوشته مشترک مهرجویی و وحیده محمدی‌فر براساس طرحی از وحیده محمدی‌فر داستان تحول یک عکاس است که تلاش دارد با پاکیزگی محیط اطراف، به تظهِیر روح و روان خود بپردازد و در نهایت به پاکیزگی روح دست یابد.

نکته مسلم این است که ماجرا در فضایی اجتماعی و سیاسی روی می‌دهد.»

این نمایشنامه به‌بجوبحه جنگ سرد می‌پردازد. فریبکار بزرگی که پلیس در تعقیبش است بر حسب تصادف به خانه روزنامه‌نگاری می‌رسد. در آن روزهای پر شایعه، چون یکی از وزیران شوروی چند روز در انتظار ظاهر نمی‌شود، فرصت خوبی است که روزنامه‌های جنجالی او را چون کسی که «آزادی را انتخاب کرده» بخوانند و کلاهبردار حرفه‌ای تحت تعقیب پلیس بهترین کسی است که می‌تواند این وزیر به اصطلاح فراری باشد و لو دان‌ها و افشای به اصطلاح رازها بر تحول‌های جامعه اثر می‌گذارد. دست‌گه‌های اطلاعاتی با علم به اینکه چه کسی در نقش وزیر فراری فرو رفته می‌خواهند از او بهره‌برداری کنند. سهمی که سارتر در این اثر برای روزنامه‌های ارتجاعی و دروغ‌پراز در نظر گرفته، باعث شد که روزنامه‌ها نیز دندان نشان دهند و با سکوت کاملاً در‌خور ملاحظه‌ای این نمایشنامه را خفه کنند.

■ ■ ■

میان ریتا و چشمانم باران کوثری در نقش همسر دوم سعی دارد در مقابل میترا همسر سابق آرش موقعیت خود را حفظ کند، موضوعی که باران کوثری در اجرای تمرینی به خوبی نشان می‌دهد. بعد از بازی «در زمستان ۶۶» این دومین همکاری باران کوثری با محمد یعقوبی است، او می‌گوید: نقش «زمستان ۶۶» نقش ویژه‌ای بود که به موقعیت ویژه و بحرانی از یک کاراکتر می‌دیدید. دلیلی هم که ممکن است به یادماندنی باشد، این است که یک تکه از زندگی آدمی باشد که خیلی تکه حساسی بود. در این کار نمی‌دانم چقدر این اتفاق بیفتد، این نقش خیلی نقش سختی است و ما درگیرش هستیم. فکر می‌کنم که باید بتوانم آن را خوب بازی کنم.» او اجرای قبلی خشکسالی و دروغ را ندیده و برداشت خودش را از نقش آلا دارد: «آقای یعقوبی سر «زمستان ۶۶» هم اصرار داشت که اجرایی جدیدی از نمایش برویم یعنی نکته‌های مثبتی را که در کار داشت حفظ کرده بودند و از ما می‌خواستند که مقید به اجرای قبلی نباشیم؛ هر چند که اجرای قبلی اجرای بسیار درخشانی بود.» به اعتقاد باران کوثری: «تجربه بازتولید «زمستان ۶۶» تجربه بسیار درخشان‌ی بوده. هم به لحاظ حرفه‌ای و هم به لحاظ استقبال از کار. برای همین جدا از آن همکاری با محمد یعقوبی و بازیگران این نمایش خیلی هیجان‌انگیز بود. ضمن اینکه خشکسالی و دروغ در زمان اجرا در دو سال پیش با استقبال خوبی روبه‌رو شد. همه اینها باعث شد من با این گروه همراه شوم و امیدوارم که کار در اجرا بتواند تجربه قبلی را تکرار کند. خیلی امیدوار و خوشبین هستم».



ماجرای‌های حاشیه‌ای «یه حبه قند» تیزر مجیدی و آنونس بنی‌اعتماد پخش نشد شرق: فیلم «یه حبه قند» با تبلیغاتی ارکان شده است که از سیستم معمول سینمای ایران فرق دارد. پوستر فیلم را عباس کیارستمی طراحی کرد و مجید مجیدی و رخشان بنی‌اعتماد برایش تیزر و آنونس ساختند. از همان روزهای اول «هیچ کدام از تیزرهای فیلم «یه حبه قند» که توسط مجید مجیدی و رخشان بنی‌اعتماد ساخته شده بود، از صداوسیما مجوز پخش نگرفت.»

این نکته‌ای بود که رضا میرکریمی به‌عنوان کارگردان بر آن تاکید کرد و گفت: «هرکس این تیزر پخش‌شده را می‌بیند احساس می‌کند فیلم برای کودک و نوجوان ساخته شده است.» در این روزها که به پایان ارکان این فیلم ماندگار نزدیک می‌شویم هنوز این مشکل حل نشده است و امیرحسین علم‌الهدی مشاور پخش فیلم «یه حبه قند» در گفت‌وگو با تسنیم‌پرس گفته است: «هر پنج تیزر ساخته‌شده فیلم توسط مجید مجیدی با ضوابط صداوسیما هماهنگ نبود و مدیران سیما اصلاحاتی را خواستار شدند که اگر این اصلاحات



کلیت ایستودو، کارگردان و بازیگر صاحب‌نام سینمای جهان اعلام کرد، سال‌هاست تصمیم به‌همکاری‌از دنیا بازیگری گرفته است، اما هربار نقشی پیشنهاد می‌شود که نمیتوان در مقابلش ایستادگی کرد. وی در مراسم ارکان فیلم جدیدش «جی، ادگار» در لس‌آنجلس گفت: «در سال ۱۹۷۰ زمانی که کارگردانی را آغاز کردم، ترجیح می‌دادم تا پشت دوربین کار کنم.»

گذشته عنوان بهترین بازیگر/کارگردان تاریخ سینما را از سوی نشریه سینمایی «اسکرین» به دست آورد.

کلبه‌کوچک‌من

زیرک‌ها و زیرک‌تراها (۸۹)

اردشیر خرمکوب

■ کافی است یک میکروفن مخفی در کلبه ما باشد و اعتراضات صریح او ضبط شود. اما ظاهراً مرا چاره‌ای نیست جز اینکه بپذیرم او کار کشته‌ای زیرک و پیچیده و باهوش است. و آدم زیرک، حتماً می‌داند در یک چنین اوضاعی چیزی نکود که به ضررش تمام شود.

من تعبیر معکوس زیرکی را «پخمگی» می‌دانم. همان چیزی که جوامع غربی، مرتب از آن فاصله می‌گیرند و فضولات پخمگی خود را به کشورهای دور صادر می‌کنند. زیرک‌ها اما آیا سیاست‌مداران و اقتصاددانان‌اند؟ یا پلیس‌ها و سازمان‌های جاسوسی و ضدجاسوسی؟ یا دارندگان کلان رسانه‌های حقیقی و مجازی؟ یا نظامیان و اسلحمداران و اسلحه‌سازان؟ یا کلان ثروتمندان؟

جماعتی هم هستند که اصرار دارند اسمشان نه در ردیف زیرک‌ها، که در ردیف زیرک‌تراها ثبت شود. جماعتی که در جست‌وجوی تسخیر هر فرصت پنهان‌اند.

و تنها بهانه زیستن‌شان ابراز زیرکی است. کسانی که شیهه هم‌اند و شیهه کسی نیستند، کسانی که از مرثیه مردگان: سرود می‌سرایند، گنگستر رابطه‌های درهم‌پیچ، کشف قاره‌های کشف‌نشده فریب، خریدار بردگان نفوذ، صحنه‌پردازان هوس، فروشندهان آشوب، طراحان دروغین خوششخصیتی، مضامف، کیهانشناسان بی‌زمین، زمین‌داران بی‌آسمان و فرهنگ‌سازان غارت! اینها همگی اصرار دارند اسمشان در لیست زیرک‌تراها ثبت شود. کسانی که به قول ما ایرانی‌ها پرندگان آزاد را هم در آسمان خدا می‌فروشنند. کسانی که بر آرزوهای مردم نیز مالیات می‌بنند.

■ ادامه دارد

حرف مسوول

۱۱۰ فیلم از ارکان حذف شد

■ شرق: دو سال پیش نشریات سینمایی به مناسبت روز ملی سینما، اسامی بیش از ۲۰۰ فیلم سینمایی که در طول سال‌های بعد از انقلاب، امکان ارکان به هر دلیلی پیدا نکردند را منتشر کردند و در‌بسراره این اتفاق تحلیل رفتند. مدیرکل نظارت و ارزشیابی آن دوران محمود اربابی در گفت‌وگو با همین نشریات درباره تعداد زیادی از این فیلم‌ها توضیح داد که آیا با برچسب توقیف همراه هستند یا نه؟ دولت دهم در اولین روزهای حضور جواد شمقدری نکته‌های را بیان کرد که انگار الان زیاد اعتقادی بر آن ندارد «فیلم توقیفی نباید داشته باشیم» در این‌باره سیاست‌های متعددی در پیش گرفته شد. فیلم‌ها توقیف نبودند، اما نمی‌توانستند ارکان شوند حالا شاید زمان مناسب نبود و در آخرین اتفاق باید شاهد حضور این فیلم‌ها در شبکه نمایش خانگی باشیم.

مدیرکل ارزشیابی و نظارت بر سینمای حرفه‌ای در این باره می‌گوید: «ورود فیلم‌های سینمایی که چندین سال از تولید آنان می‌گذرد به شبکه نمایش خانگی، بحث پنهانی نیست.»

وی به ایرنا گفت: «دو سال پیش که تیم مدیریتی جدید وارد عرصه سینما شد، یکی از مواردی که تاکید داشت، روشن شدن وضعیت فیلم‌های ارکان نشده در سینمای ایران بود. ۱۱۰ اثر سینمایی از سالیان گذشته، پشت صف ارکان مانده‌اند و عمر این آثار متوسط‌ست تا هفت سال است و در سال‌های اخیر فرصت نمایش عمومی به این فیلم‌ها نرسیده و این فیلم‌ها به هیچ عنوان توقیف نبوده‌اند. با توجه به فضای ارکان و شلوغی صف نمایش عمومی فیلم‌های سینمایی و از سوی دیگر، افزایش تولیدات سینمای ایران در دوره مدیریت جدید، بهتر است این آثار سینمایی به سمت فضاهای دیگری برای دیده شدن از سوی مخاطبان پیش بروند. در نهایت تا این ۱۱۰ اثر دیگر در صف ارکان عمومی قرار ندرند و به شبکه نمایش خانگی ارجاع می‌شوند. این آثار مشکل ممیزی برای نمایش عمومی و نیز تلبایبی گرفتن ارکان عمومی در سینماهای کشور نداشته‌اند. انکار نمی‌کنیم که برخی این آثار فیلم‌های بسیار خوبی بودند، اما به هر حال این آثار در جدول ارکان جایی را برای خود پیدا نکرده‌اند و با توجه به صف کنونی ارکان، حضور این ۱۱۰ فیلم، مشکلات نمایش عمومی فیلم‌های سینمایی را مضاعف می‌کرد. این فیلم‌ها به حقیقت شانس‌ی برای نمایش نداشتند و اغلب صاحبان این آثار نیز این موضوع را پذیرفته‌اند.»مدیرکل ارزشیابی و نظارت بر سینمای حرفه‌ای یادآور شد: «برخی از این فیلم‌ها ممکن است در طرح ارکان مخاطب خاص قرار گیرند، اما تعداد این نوع فیلم‌ها بسیار اندک خواهد بود. تاکید بر این است که این فیلم‌ها وارد شبکه نمایش خانگی شوند و با توجه افزایش روز به روز تولیدات سینمایی، آمیدی برای نمایش این فیلم‌ها نیست. نمی‌توان این فیلم‌ها را در صف ارکان نگه داشت و دایم با چنین مشکل مستمری روبه‌رو بود.»مدیرکل ارزشیابی و نظارت بر سینمای حرفه‌ای گفت: «ورود فیلم‌های ارکان نشده در سال‌های اخیر در شبکه نمایش خانگی قانونی نیست، بلکه تفاهمنامه‌ای است که با شورای صنفی انجام دادیم تا فیلم‌های جدیدتر در اولویت ارکان در سالن‌های سینمایی قرار داشته باشند. از این ۱۱۰ فیلم سینمایی، آثاری در طرح مخاطب خاص به نمایش عمومی می‌رسند که از کیفیت خوبی برخوردار باشند؛ البته تعداد این فیلم‌ها بسیار اندک خواهد بود.»